

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۶

بررسی تاریخ معاصر کردها در ایران از منظر کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیای دوره متوسطه اقلیم کردستان عراق

عطاءالله عبدی*^۱، محمد دارابی^۲ و سید محمدتقی رئیس‌السادات^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱/۱۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۴/۵

چکیده

شکل‌دادن به هویت ملی و قومی در نواحی پیرامونی ایران طی چند دهه اخیر، گسترش فراوانی یافته‌است. روند تحولات ژئوپلیتیک و شکل‌گیری واحدهای سیاسی جدید پیرامون ایران، این امر را در رابطه با شکل‌دادن به همگرایی یا اصطکاک هویتی تقویت نموده‌است. از جمله این نواحی، اقلیم خودمختار کردستان عراق است که پس از توفیق در خودمختاری، اهل فرهنگ منطقه شروع به تدوین و قرائت رسمی از تاریخ نمودند تا تکیه‌گاهی هویتی برای مردمان این منطقه به‌وجود آورند. در بررسی‌های تاریخی این منطقه با تاریخ ایران، سه دوره را می‌توانیم در نظر بگیریم: دوره باستان، دوره اسلامی و دوره معاصر. گرچه خود این دوره‌ها هم قابل تقسیم و تفکیک هستند. دو دوره قبل در قالب مقالات جداگانه بررسی شده‌است. اما مورد مطالعه این مقاله، نگاه تاریخ رسمی اقلیم کردستان به تاریخ معاصر کرد و به‌ویژه در رابطه با رویدادهای سیاسی و تاریخی مشترک میان ایران و اقلیم کردستان است.

این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای فراهم آمده‌است. محتوای کتب تاریخ و جغرافیای مقطع متوسطه اقلیم کردستان عراق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. نتایج حاصل‌گویی آن است که رویکرد نظام آموزش رسمی در اقلیم کردستان به‌مقوله تاریخ و هویت ایرانی برخلاف دروه باستان امری یک‌دست نیست و در بیشتر موارد نوعی ناهمگونی و ناهم‌داستانی در خوانش رویدادهای کردها در ایران با آنچه در کتب درسی اقلیم کردستان است وجود دارد.

کلیدواژگان: هویت، آموزش رسمی، کرد، اقلیم کردستان عراق، ایران.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، Email: ataabdi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس دانشگاه خوارزمی، تهران

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران

مقدمه

اقلیم کردستان عراق که در سال‌های اخیر تا سطح واحد فدرال ارتقاء یافته‌است، از نظر جغرافیایی و تاریخی بخشی از ایران فرهنگی به‌شمار می‌آید. این منطقه در رابطه با تاریخ باستان همگرایی بالای تاریخی و تمدنی را با ایران داشته است و در انعکاس تاریخ باستان خود به بررسی دوره‌های تاریخی ایران حتی در مواردی با جزئیاتی بیشتر از تاریخ رسمی ایران می‌پردازد. اما این امر در شرایطی بوده است که سراسر مناطق کردنشین در دوران باستان، به‌عنوان بخشی از حکومت‌های ایرانی به‌شمار می‌آمدند، بنابراین، اقلیم کردستان در شرایط عادی نمی‌تواند تاریخی و اگر از تاریخ ایران دوره باستان برای خود ترسیم نماید. اما رویدادها و دگرگونی‌های تاریخی دوره معاصر، در شرایطی قوام یافته‌است که در دوره‌های قبل از آن، بخش‌های مهمی از مناطق کردنشین از ایران جدا شده و در دوره معاصر، رویدادهای مهمی که عمدتاً ناشی از ورود اندیشه‌های ناسیونالیستی و مدرنیسم و استعمار در منطقه بوده است تا حدود زیادی تحولات سیاسی و تاریخی مناطق کردنشین در ایران و بیرون از ایران، در مسیری متفاوت از گذشته رقم خورده‌است. از این رو در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود میزان همگرایی و یا تقابل نظام آموزش رسمی این اقلیم با رویدادهای تاریخی دوره معاصر ایران مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت موضوع زمانی بیشتر جلوه می‌کند که توجه داشته باشیم در دوره معاصر تاریخ ایران شاهد تحولاتی عمیق سیاسی و هویتی از جمله در رابطه با نواحی کردنشین ایران و حتی منطقه بوده است. از این رو، نوع نگاه به تاریخ و سرزمین ایران دوره معاصر در نظام آموزش رسمی اقلیم شایان توجه خواهد بود. مسئله و پرسش اصلی مقاله حاضر، بر این امر استوار است که تاریخ و تحولات سیاسی ایران معاصر، در نظام آموزش رسمی تاریخ در اقلیم کردستان چه انعکاسی داشته است؟ بنابراین تلاش خواهد شد، بر مبنای محتوای کتب تاریخ و جغرافیای منطقه اقلیم کردستان، به این موارد پاسخ داده شود. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحلیل از نوع تحلیل محتوا می‌باشد.

پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه تحقیقات انجام شده در مورد مطالعه آموزش رسمی بر شکل‌گیری هویت ملی کردستان عراق نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است. با این حال تحقیقاتی شبیه این موضوع انجام شده است که به شرح زیر می‌باشد:

- عبدی عطاءالله، لطفی مریم، (۱۳۸۷)، «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش (ایران): مورد مطالعه کتب تاریخ دوره دبیرستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳.
 - احمدی حسین، (۱۳۹۰)، «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان: با تأکید بر کتابهای تاریخی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۲.
 - خدایار، ابراهیم؛ فتحی، اعظم (۱۳۸۷)، «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش (ایران): مورد مطالعه دوره متوسطه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳.
- همچنانکه مشاهده می‌شود تاکنون درباره رویکرد آموزش رسمی اقلیم کردستان پیرامون تاریخ و هویت ایرانی بررسی

علمی جدی صورت نگرفته است و تحقیق حاضر برای نخستین بار به بررسی این موضوع خواهد پرداخت.

کتاب‌های درسی مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از:

- مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس هفتم (۲۰۱۴) علی احمد، احمد و همکاران، حکومت اقلیم کردستان عراق، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش به کوشش مدیرکل برنامه‌ریزی و انتشارات به زبان کردی سورانی؛
- مطالعات اجتماعی (بخش تاریخ) برای کلاس هفتم (۲۰۱۴) شوان عثمان و همکاران، حکومت اقلیم کردستان عراق، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش به کوشش مدیرکل برنامه‌ریزی و انتشارات به زبان گُردی سورانی؛
- مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس هشتم (۲۰۱۴ م) عبدالله اسماعیل سلیمان و همکاران، حکومت اقلیم کردستان عراق زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
- مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس نهم (۲۰۱۴)، عبدالعزیز حمدحکمت و همکاران، حکومت اقلیم کردستان، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
- مطالعات اجتماعی (بخش تاریخ) برای کلاس نهم (۲۰۱۴)، حسین عثمان سعدی و همکاران، حکومت اقلیم کردستان، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
- جغرافیای عمومی برای کلاس دهم (۲۰۱۴ م)، صبری فارس الهیتی و همکاران، حکومت اقلیم کردستان عراق، وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
- تاریخ معاصر برای کلاس یازدهم، (۲۰۱۴ م) عثمان روستایی، صادق احمد و همکاران، حکومت اقلیم کردستان زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
- تاریخ معاصر و هم‌عصر برای کلاس دوازدهم، (۲۰۱۴ م) محمد وهبی نازنین و همکاران، حکومت اقلیم کردستان عراق، وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات).

آموزش و هویت

جمله کارکردهای آشکار آموزش و پرورش انتقال ارزش‌ها و میراث فرهنگی در جامعه است (جعفرزاده‌پور؛ ۱۳۹۱:۱۱۹). به عبارت دیگر، یکی از اهداف آموزش رسمی که به وسیله‌ی دولت‌ها به صورت آزاد یا با یارانه‌های عمومی تدارک می‌شود، ایجاد احساس هویت و آرمانی مشترک است که به صورت آرام و تدریجی منتقل می‌شود (عبدی و لطفی، ۱۳۸۷:۵۸). شناخت مولفه‌های هویت ملی و آگاهی از مشترکات فرهنگی از طریق نظام آموزشی میسر است و این امر سبب تقویت همبستگی ملی خواهد شد (مقصودی، ۱۳۹۱: ۱۶). از میان صاحب‌نظران مختلف ارنست گلنر بر نقش آموزش و پرورش و هابسباوم بر نقش دولت‌ها در ساختن و ابداع هویت تاکید می‌کنند. یکی از اهداف آموزش رسمی که به وسیله دولت‌ها به صورت آزاد یا با یارانه‌های عمومی تدارک می‌شود، ایجاد احساس هویت و آرمان مشترکی است که به صورت آرام و تدریجی منتقل می‌شود (Black sell, 2006:60). از نگاه ناسیونالیست‌ها باید فرهنگ مردم را از طریق آموزش عمومی باز کشف کرده و روح ملت را از عشق ملی پر کرد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۲). ارنست گلنر ملت‌های جدید را محصول مدارس جدید می‌داند، چرا که در این مدارس، زبان ملی و فرهنگ رسمی

تدریس، رشد و گسترش یافته و درونی می‌گردد (مقصودی، ۱۳۸۱: ۷۲). همچنین آموزش باید به مقوله تقویت فرهنگ عمومی یعنی استانداردسازی زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز پردازد. از نظر هشتر هرچه استانداردسازی فرهنگ و زبان از سوی دولت کمتر باشد، نیروی اجتماعات فرهنگی در مناطق قومی، قوی‌تر خواهد بود (هاچینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۵).

بررسی رویدادهای سیاسی تاریخی معاصر

با از میان رفتن حکومت زند، حکومتی نو در ایران توسط آقامحمدخان قاجار تأسیس شد که خیلی وحشیانه با ملت کُرد رفتار کرد. تعداد زیادی از کُردها را از مناطق خود انتقال داده و کشتار زیادی راه انداخت و با زور مذهب شیعه را تحمیل کردند (محمد وهبی، ۲۰۱۴: ۹۳).

به سبب جنگ‌های مداوم با دولت عثمانی، اوضاع داخلی ایران کم‌کم رو به خرابی گذاشت که با میانجی‌گیری روسیه و بریتانیا و انعقاد قرارداد ارزروم دوم در سال ۱۸۴۷م پایان یافت. این قرارداد مرز نهایی دو طرف را مشخص کرد. در سال بعد ناصرالدین شاه بر تخت نشست که نزدیک به نیم قرن به طول کشید، به خاطر جنگ میان ایران و بریتانیا در سال ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۶ م تا زمان مرگ او در ۱۸۹۶ م ارتباط میان ایران و بریتانیا خوب نبود، بریتانیا بیشتر قدرت نظامی ایران را برای جلوی گیری از بازگشت دوباره افغانستان به ایران را از بین برد. در عصر مظفرالدین شاه به تضعیف جنبش قانونی شد و از طرف دیگر، با ازدیاد اختلاف میان بریتانیا و روسیه در سال ۱۹۰۷م میان این دو قدرت تقسیم شد و مناطق جنوب ایران زیر سلطه بریتانیا و مناطق شمالی زیر سلطه روسیه رفت و حکومت شاه تنها به تهران محدود شد (عثمان روستایی و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۴۵-۱۴۰).

• قیام شیخ عبیدالله نهری

بعد از شکست دولت عثمانی در جنگ (۱۸۷۸-۱۸۷۷م) با روسیه، خزانه دولت عثمانی به کلی خالی شد، حتی در کردستان اوضاع به حدی رسید که تعدادی از مردم از گرسنگی مردند، از این روی قیام تنها راه رهایی از سلطه عثمانی بود، قیام پسران میر بدرخان (حسین کنعان پاشا) و عثمان پاشا در سال‌های قبل از قیام شیخ عبیدالله پاسخی به اوضاع ناآرام کردستان بود. تمامی آن رویدادهای داخلی و بین‌المللی، شیخ عبیدالله را وادار به تحلیل اوضاع و نهایتاً طرح برای قیام و رهایی کردستان کرد، شیخ عبیدالله نهری مردی قدرتمند بود، طریقه نقشبندی، نیز در زمینه‌سازی برای قیام نقش مؤثر داشت، شیخ از اوضاع ناآرام مناطق کردنشین بهره گرفت، و عقاید سیاسی خود را بر روی چارچوب مذهبی-ملی تنظیم کرد. بدین ترتیب بعد از گرفتن قدرت از امرای کرد شیخ عبیدالله، اولین رهبر در تاریخ جدید کُرد است که سردمدار حرکت آزادی‌خواهی ملت کُرد می‌شود. در اواخر تموز (تیرماه) سال ۱۸۰۰م شیخ عبیدالله با هدف آماده‌سازی صفوف کُرد، یک گردهمایی را در روستای نهری از توابع شمزینان در استان حکاری انجام داد که نزدیک ۲۲۰ نفر از سران قبایل و ریش‌سفیدان در آن آماده بودند، در این گردهمایی چندین مبحث مهم مورد بحث قرار گرفت از جمله:

۱. تأسیس اولین مؤسسه سیاسی کُرد به اسم (اتحادیه کُردها)

۲. شیخ عبدالله نه‌ری در گردهمایی از تأسیس کردستان مستقل و متعهد سخن گفت به‌همین خاطر از حاضرین دعوت می‌کند علیه هر دو دولت ایرانی و عثمانی تلاش کنند.

۳. در گردهمایی قرار شد که بار اول قیام در مناطق کردستان زیر سلطه قاجاری شروع شود به دلایل زیر:

الف. چون در آن زمان قاجاریه مشغول جنگ با قبایل ترکمن در مرزهای شمال شرقی ایران بود، به نسبت دولت عثمانی ضعیف‌تر بود؛

ب. آن قسمت از کردستان که از لحاظ کشاورزی غنی‌تر بود، در کردستان زیر سلطه عثمانی قرار داشت، این هم براساس گفته‌های شیخ عبدالله، سرچشمه غنی برای قیام تأمین می‌کرد برای مقابله با دشمن دوم عثمانی که قدرتمندتر است.

ج. ظلم و ستمی که از طرف سلسله قاجار متوجه گردها شده بود، مخصوصاً بعد از کشتار هوزی و منگور و بلباس به‌همین خاطر، تمامی مردم مکریان از ظلم و ستم لطف‌علی میرزا حاکم ساوجبلاغ بیزار شده بودند، ولی آنچه ارتباط با کردستان تحت سلطه عثمانی داشت.

آزادی کردستان تحت سلطه قاجار به سه جبهه تقسیم شدند، جبهه اول: مکریان تا تبریز، این جبهه به فرماندهی حمزه آقا و فرزندش شیخ عبید عبدالقادر بود؛ جبهه دوم: که وظیفه آزادی منطقه ارومیه را داشت فرمانده آن برعهده شیخ عبدالله بود؛ و جبهه سوم: آزادی خوی و سلماس که به خلیفه محمدصدیق سپرده شد. در جبهه اول گردها پیروزی بزرگی به‌دست آوردند و مناطق مکریان را تا دروازه‌های تبریز آزاد کردند. در جبهه دوم، ارومیه را محاصره و اطرافش را آزاد کردند ولی داخل شهر آزاد نشد. بدین دلایل:

۱. شیخ عبدالله خواست که بدون جنگ شهر را بگیرد. به‌همین خاطر چندین نامه توسط معتمدین و ریش‌سفیدان به شهر فرستاد و از آن‌ها درخواست کرد تا شهر را تسلیم کنند. مسئولین ارومیه خواستار سه روز فرصت شدند برای تسلیم شدن در این مدت توانستند قلعه و دروازه شهر را محکم کنند و کمک نیروهای دولتی از جبهه تبریز به آن‌ها رسید.

۲. اقبال‌الدوله، حاکم شهر ارومیه چنان به مردم شهر گفت: که لشکر گردها در منطقه مکریان غارت و کشتار زیادی انجام داده‌اند و اگر داخل شهر شوند همان کشتار و غارت را تکرار می‌کنند، به این خاطر ساکنین از اقبال‌الدوله حمایت کردند.

۳. نیروی گُردی، از لحاظ علوم نظامی و تاکتیکی جنگی نسبت به سپاه قاجار نیروی نامرتبی بودند، همچنین در زمان محاصره شهر ارومیه، نیروهای شیخ با کمبود ملزومات و وسایل جنگی روبرو شدند. به‌عبارت دیگر، نیروهای شیخ متکی به نیروهای عشیرای یا قبیله‌ای بودند و از علوم نظامی جدید بهره نداشتند.

۴. دکتر کوچران فرستاده آمریکایی در ارومیه که ارتباط دوستانه با شیخ داشت، شیخ عبدالله را از تصرف شهر ارومیه منصرف کرد، سرانجام نیروهای شیخ عبدالله از تمامی جبهه‌ها عقب‌نشینی کردند، و در کردستان تحت سلطه قاجار پیروزی به‌دست نیاوردند.

شکست شیخ عبدالله به عواملی باز می‌گردد از جمله:

۱. دولت ایران در سرکوب قیام تمامی قوای خود را به‌کار گرفت. این نیروها که از مناطق مختلف ایران آورده بودند،

تجربه تمرین خوب نظامی و اسلحه و مهمات کافی در اختیار داشتند، به‌علاوه به جمع‌آوری نیروهای قبیله‌ای آذری و کردهای آذربایجان، علیه نیروهای شیخ عبدالله پرداختند.

۲. دولت‌های بزرگ مثل بریتانیا، روسیه، فرانسه و اتریش نقش مؤثری در کمک و حمایت از دولت ایران داشتند. عدم گسترش قیام به مناطق سنندج، کرمانشاه، اورامانات، ایلام و لرستان و بختیاری که قسمت اعظم از کردستان بودند. شیخ در نظر داشت در کردستان تحت نفوذ عثمانی قیام برپا کند. به همین خاطر نامه‌ای به تعدادی از سران قبایل کرد فرستاد، در آن زمان ایران در همکاری با دولت عثمانی در پی دستگیری شیخ بود. نتیجتاً دولت عثمانی شیخ را راضی به مهاجرت به استانبول کرد ولی ... نهایتاً از آنجا مخفیانه فرار و به روستای نهری بازگشت که این بار او را اسیر و روانه حجاز کردند، او در سال ۱۸۸۳ م، در شهر طائف رحلت و در مکه به خاک سپرده شد (محمد وهبی: ۲۰۱۴: ۱۴۵-۱۳۸).

• قیام (اسماعیل) سمکوی شکاک

اسماعیل آقای شکاک بعد از مرگ پدرش به رهبری گروه شکاک انتخاب شد. یکی از جنگاوران نامدار که قبل از جنگ جهانی اول در برابر حکومت قاجار جنگیده است، سال‌ها بعد از جنگ در مبارزه برای به‌دست‌آوردن حقوق کردها در شرق کردستان در اطراف دریاچه ارومیه ... جنگید. سمکو با دیدار کنسول روسیه در قفقاز در پی کمک به جنبش کردی از سوی روسیه برآمد. همچنین سمکو با دختر شیخ محمدصدیق ازدواج کرد، شیخ محمدصدیق پسر شیخ عبدالله نهری و پدر سیدطاحا، یکی از سیاستمداران و مبارزان آن زمان، بود. این ازدواج، همکاری بین خاندان شمس‌ینان (شمزینان) به‌خصوص سیدطه و اسماعیل آقای سمکو را محکم کرد. در سال‌های جنگ جهانی اول حکومت اسماعیل آقا در برابر هجوم عثمانی‌ها قرار گرفت. پس از آنکه روسیه عثمانیها را شکست داد، بسیاری از سربازان کرد با سلاحشان به گروه سمکو پیوستند. با شعله‌ور شدن شورش اکتبر سال ۱۹۱۷ م و عقب‌نشینی نیروهای روس در این منطقه با تصرف سرزمین‌های دیگر، قلمرو سمکو بیشتر شد. بعد از خاتمه جنگ، حاکم آذربایجان در تبریز نقشه‌ای برای کشتن سمکو طرح‌ریزی کرد. هر چند سمکو از این نقشه جان سالم به‌در برد، اما برادرش و چند نفر دیگری با این نقشه از بین رفتند. این کار باعث شد، که سمکو در مقابل با عجمیان (غیرکرد) مصمم‌تر شود. چون سالی قبل از شورش به دستور ایران (نظام‌السلطنه) حاکم آذربایجان در تبریز تحقیق کرده بود، که جعفرآقا برادرش و دو همراه دیگرش را کشته بودند، بعد از آنکه سمکو متوجه شد که قاجاریان دست از دشمنی و مبارزه علیه گردان برنمی‌دارند، شروع به تحریک و تشویق گردان برای مبارزه و کسب آزادی کرد. سمکو شهرهای خانه (پیرانشهر امروزی)، شنو (اشنویه)، نرده، بوکان، مهاباد، میاندوآب و سردشت را آزاد کرد، بجز آزادی شهرهای خوی، سلماس، ماکو، به شهر ارومیه نیز هجوم برد، بعد از مبارزه ۲۵ روزه نیروهای کرد قسمتی از شهر را آزاد کردند، اما انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها به کمک حاکم شهر آمدند و نگذاشتند تمام شهر به‌دست سمکو بیفتد. در این میان، سمکو تلاش کرد کمک دولت‌های بزرگ را به خود جلب کند. سید (طه) را به بغداد فرستاد، برای به‌دست آوردن پشتیبانی دولت انگلیس، سمکو هم برای حاکم سیاسی بریتانیا در عراق بنام آقای ویلسون نامه نوشت، اما این تلاش‌ها نتیجه نداد، به همین خاطر به دامان ترک‌ها پناه برد که به‌تازگی مشغول فعالیت در کردستان بودند، در این میان رضاشاه پهلوی به حکومت رسید و حکومت قاجاریان به انتها رسید. رضاشاه به کمک قدرت‌های بزرگ دنیا در مدت کوتاهی سراسر

ایران را تسخیر کرد، بجز چند نقطه کوچک از کردستان که یکی از این نقاط منطقه حکومتی سمکو بود. رضاشاه سپاه بزرگی در تبریز برای مقابله برای سمکو فرستاد، اما به کمک نیروهای کُرد، سمکو توانست ضربه‌ای بزرگ به آن‌ها وارد کند، با این روش قدرت فرمانروایی سمکو تا اطراف سنندج گسترش یافت و برای مدت ۴ سال توانست در مقابل هجوم نیروهای رضاشاه مقاومت کند و در بیشتر تهاجمات پیروز شود. برای آزادسازی شهر سنندج، سمکو با محمودخان کانی‌سانان و محمودخان دزلی و سردار رشید ارتباط برقرار کرد. همه آن‌ها در این امر هم‌پیمان او شدند، اما هجوم ناگهانی ایرانی بر مناطق قوم شکاک، راه نجات شهر سنندج را بر آنها بست، به‌غیر از قوم‌های لرستان که آمادگی خود را برای پیوستن نیروهای سمکو اعلام کرده بودند. همچنین کُردهای ترکیه و عراق نیز برای پیوستن به این نیروها اعلام آمادگی کردند. در تابستان ۱۹۲۲م جنگی بزرگ بین نیروهای سمکو و سپاه ایران بوجود آمد. هر چند نیروهای سمکو برای مدت کوتاهی مقاومت کردند، اما متأسفانه شکست خوردند و قلمرو حکومتش تسخیر شد و وی به ترکیه پناهنده شد. در حمله ترکها نیز همسرش کشته و یکی از پسرانش به اسارت گرفته شد. این بار سمکو به طرف جنوب کردستان رفت. سال ۱۹۲۳ شیخ محمود برزنجی از او استقبال کرد، سمکو به خواست انگلیسی‌ها به شرق کردستان برگشت، اما به نیت شوم رضاشاه پی برد و مانند برادرش از بین رفت (محمودوهی، ۲۰۱۴: ۱۵۸-۱۵۴).

• جمهوری کردستان

در ۲۵ آوریل ۱۹۴۱ بریتانیا و آمریکا در جنوب و شوروی سابق از شمال وارد خاک ایران شدند. در نتیجه رضاشاه پهلوی از سلطنت خلع گردید و همان سال محمدرضاشاه جانشین او شد. در سال‌های جنگ جهانی دوم به سبب ورود متفقین و از بین رفتن حکومت رضاشاه راه برای فعالیت‌های سیاسی و تأسیس مؤسسات ملی کُردی در مهاباد به اسم گروه (کومله) ژیان کُردی (ژ-ک) در ۱۶ آوریل ۱۹۴۲ باز کرد که بعدها سنگ بنای حزب دموکرات کردستان به‌رهبری قاضی محمد شد. از این‌رو، در دوم بهمن (۲۲ کانون) قاضی محمد در مراسم باشکوهی در میدان چهارچراغ در مهاباد جمهوری کردستان را اعلام کرد. مراسم با سوگند به (قرآن) نقشه و پرچم کردستان انجام شد. پرچم کردستان بر سر مؤسسات حکومتی در شهرهای تحت حکمرانی برافراشته شده و نیز در ۱۹۴۶ در روزنامه (کردستان) که زبان حال حزب دموکرات کردستان بود، اسامی وزرای کابینه حکومت کردستان انتشار یافت. پرچم جمهوری از سه رنگ (سرخ، سفید، سبز) تشکیل شده بود، خورشیدی در میان داشت، و آرم آن عبارت بود از یک پَر (سنبل علم و فرهنگ) و خورشید سنبل آزادی و اطراف آن خوشه‌های گندم تشکیل شده بود. مدتی بعد از فروپاشی جمهوری به‌عنوان پرچم کردستان به حساب می‌آمد. و شعر «دای رقیب» در آن عصر سرود ملی که تا به حال سرود ملی کُرد است (عثمان‌حسین، ۲۰۱۴: ۲۰۹-۲۰۴) اگرچه عمر جمهوری کردستان کمتر از یازده ماه بود ولی توانست در آن مدت کم دستاوردهای بزرگ برای ملت کرد به‌دست آورد، مهمترین آن به‌دست آوردن آزادی و رهایی ملی در قسمتی از شرق کردستان مهمترین آن‌ها به حساب می‌آید (محمودوهی، ۲۰۱۴: ۱۷۸-۱۷۵).

همچنین، در جای دیگر آمده است، اولین جمهوری کُرد در آن مدت کوتاه چندین دستاورد مهم به‌دست آورد: تأسیس کمپانی توسعه کردستان، رسمیت دادن به زبان کُردی، تأسیس روزنامه‌نویسی و همچنین ایستگاه رادیو در مهاباد برای اولین بار در تاریخ، تأسیس کتابخانه‌ای ملی در مهاباد، فراهم کردن نظارت اجتماعی برای یتیمان و نوشتن و خواندن برای هر دو جنس، نقش‌آفرینی زنان کُرد در زندگی سیاسی و روشنفکری (عثمان‌حسین، ۲۰۱۴: ۲۰۴).

نقش بارزانی و همراهانش در جمهوری کردستان نیز قابل ذکر است، تعداد نیروهای مصطفی بارزانی که در صفوف ارتش جمهوری بودند نزدیک به ۲۰۰۰ پیشمرگه می‌شدند. خودش نیز یکی از چهار افسر بلندپایه جمهوری که درجه ژنرالی داشت. نیروهای بارزانی در خط مقدم جبهه راه سقز - بوکان روبروی نیروهای ایران استقرار یافتند. در این جبهه، ایران نیروی فراوانی جمع‌آوری کرد و می‌خواست پیشروی کند، ولی نیروهای بارزانی در جنگ معروف (قاروا) به فرماندهی مصطفی بارزانی ضربه‌ای شدید به نیروهای ایرانی وارد کردند. برای انتقام شکست جنگ قاروا حکومت ایران نیروی فراوان با حمایت تعداد زیادی توپ و تانک و زره‌پوش و هواپیما به‌سوی بارزانی فرستاد. هر چند که بارزانی‌ها به مقابله با این نیروها پرداختند، ولی بعدها نتوانستند در مقابل این نیرو مسلح و فراوان مقاومت کنند و عقب‌نشینی کردند و جنگ پایان گرفت. بعد از فروپاشی جمهوری و تسلیم‌شدن قاضی‌محمد و همراهانش بارزانی‌ها خود را تسلیم نکردند. و تصمیم بر جنگ با نیروهای ایرانی گرفتند. علاوه بر حمایت آمریکا و بریتانیا از حکومت ایران و نابرابری نیروهای دو طرف از نظر تعداد سرباز و سلاح و مهمات و تمرین و غیره. با این حال بارزانی‌ها، مخصوصاً در جبهه اشنویه، نیروهای ایرانی را شکست دادند (محمد وهبی، ۲۰۱۴: ۱۸۵-۱۸۱).

جمهوری کردستان به‌سبب تعدادی عوامل داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی فروپاشید که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. تسلیم شدن حکومت آذربایجان بدون هیچ دفاعی راه را برای ارتش ایران آسان کرد که به جمهوری کردستان حمله کردند و نیروی بیشتری برایش جمع‌آوری کردند. ۲. عقب‌نشینی نیروی شوروی در سال ۱۹۴۶ از ایران و کردستان، نیروهای ارتش ایران را برای هجوم به مناطق حکمرانی جمهوری کردستان آسان کرد. ۳. حسن‌نیت قاضی‌محمد در مقابل دشمنانش، قاضی وعده‌های دروغین قوام‌السلطنه، نخست وزیر ایران و فشار و وعده‌های اتحاد جماهیر شوروی ... را باور کرد (محمد وهبی، ۲۰۱۴: ۱۸۵). اهداف اصلی جمهوری خودمختار مهاباد عبارت بودند از:

۱. می‌بایست که کُردهای ایران در چارچوب مرزهای دولتی ایران صاحب خودمختاری باشند؛ ۲. باید زبان کُردی در آموزش و پرورش مورد استفاده قرار بگیرد و در امورات اداری زبان رسمی باشد؛ ۳. براساس قانون اساسی ایران، مجلس مقننه برای کردستان ایران تأسیس شود و حق سرپرستی و نظارت داشتن امورات کلی داشته باشند؛ ۴. تمامی کارمندان دولت در کردستان باید کُرد باشند؛ ۵. لازم است براساس یک قانون برای کشاورزی و مالکین رفتار شود، با تضمین حقوق هر دو طرف؛ ۶. حزب دموکرات کردستان برای ایجاد روابطی برادرانه با آذری‌ها و اقلیت‌های ملیتی مانند ارمنی و آشوری که در آذربایجان زندگی می‌کنند، تلاش می‌کند و ۷. حزب دموکرات کردستان در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و معنوی قوم کُرد از طریق کشف منابع مختلف طبیعی کردستان و پیشرفت کشاورزی و بازرگانی و بالابردن سطح سلامتی جامعه و ارتقاء آموزش و پرورش تلاش می‌کند.

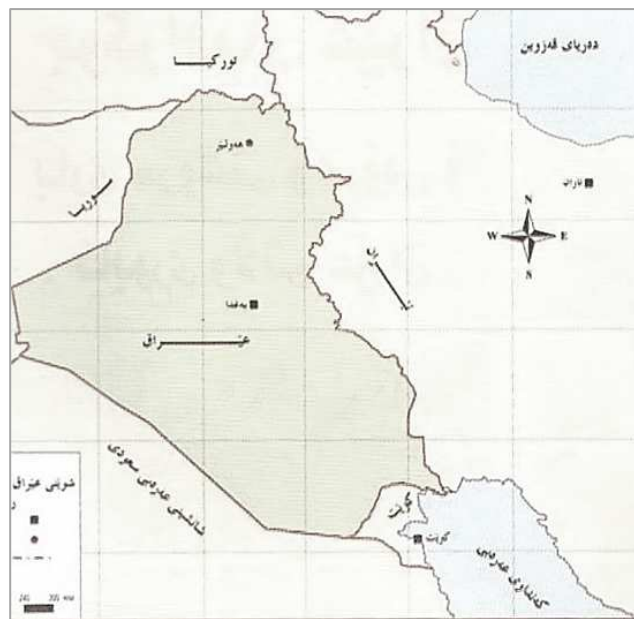
• جنگ ایران و عراق

عوامل جنگ ایران و عراق عبارتند از: ۱. کشمکش عرب و فارس بر سر قدرت و تثبیت ناسیونالیسم در منطقه؛ ۲. جنگ مذهبی؛ ۳. عدم اجرای قرارداد الجزایر که هر کدام دیگری را به نقض آن متهم می‌کند؛ ۴. مسلح‌شدن عراق به سلاح سنگین و کشتار جمعی مخصوصاً سلاح شیمیایی و ۵. غرور و حس نژادپرستی سران عراق مخصوصاً رییس حکومت (صدام) در ۲۲ ایلول، ۱۹۸۰ میلادی نیروهای سپاه عراق در طول مرز به ایران حمله‌ای گسترده کردند. در

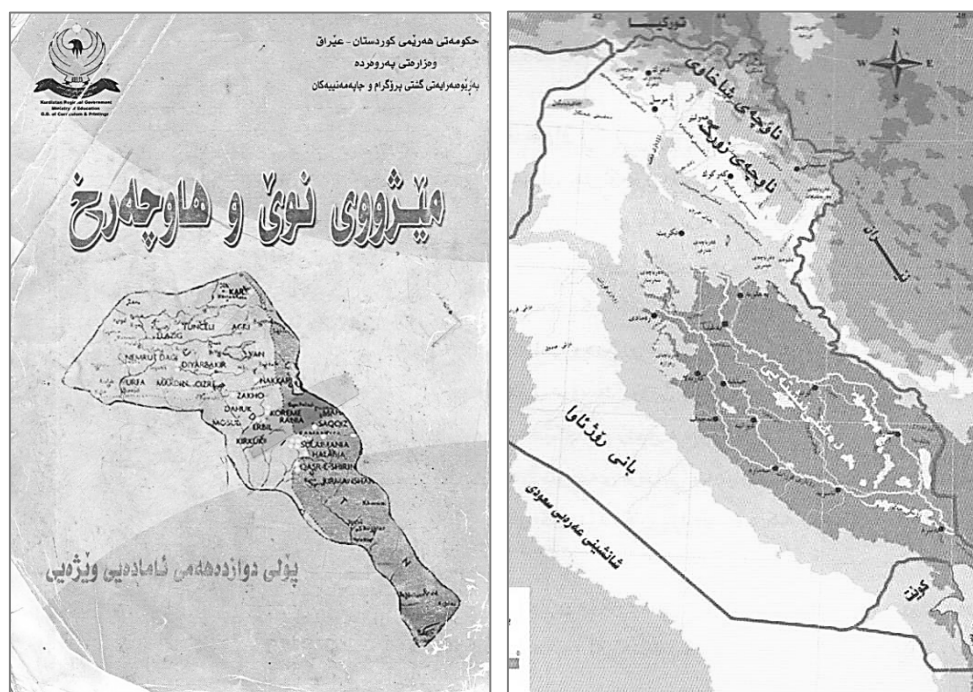
۱۹۸۸/۸/۸ جنگ با کشته‌شدن صدها هزار نفر از فرزندان ملل عراق و ایران و ویران شدن، دهها شهر و پروژه و از دست‌رفتن سرمایه عراق که خوراک جنگ غرور و نژادپرستی شد خاتمه یافت (محمد وهبی، ۲۰۱۴: ۲۱۹). هدف از بحث‌کردن جنگ عراق و ایران و جنگ خلیج به‌خاطر آن است که بفهمیم که رژیم عراق شیوه‌ای خونین و وحشیانه در پیش گرفته و این دو جنگ، چگونه بر سر مسئله‌گرد تأثیر گذاشته است. (پاورقی همان: ۲۱۹).

بررسی تصاویر و نقشه‌های جغرافیایی

در خصوص نقشه‌ها، بر روی نقشه‌های کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیای هفتم تا دوازدهم، اقلیم کردستان عراق به‌جای خلیج‌فارس از نام جعلی به زبان کُردی (که‌نداو عربی) و یا خلیج‌العربی نام برده شده است. در کتاب‌های تاریخ کردستان عراق، برای سلسله‌هایی که بحث شده، نقشه ترسیم نشده است. این به‌خاطر آن است که قبلاً موجودیتی سیاسی بنام کردستان وجود نداشته و نمی‌خواهد این موضوع روشن شود که تمام کردستان‌های ترکیه، عراق و سوریه جزئی از امپراطوری ایران بوده‌اند. در این پژوهش، حدود پانزده نقشه که عبارتند از: نقشه‌های کتاب مطالعات اجتماعی (جغرافیا) نهم از عبدالعزیز حمد و همکاران، صفحات ۳۵-۳۷-۳۱-۲۷ و نیز نقشه‌های کتاب جغرافیای عمومی صبری فارس الهیتی و همکاران، صفحات ۹۳-۳۷-۳۱-۲۷ و همچنین نقشه کردستان بزرگ موردنظر اقلیم کردستان، روی جلد تاریخ معاصر کلاس دوازدهم که بخشی از کشورهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه، ارمنستان و نخجوان را شامل می‌شود، از کتب درسی ذکر شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که در این نقشه‌ها از خلیج‌فارس با نام جعلی خلیج عربی ذکر شده است. به‌اختصار چند عدد از این نقشه‌ها در این قسمت آورده شده است.



نقشه ۱: مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس نهم (۲۰۱۴)، عبدالعزیز حمد حکمت و همکاران



نقشه ۳: تاریخ معاصر و هم‌عصر برای کلاس دوازدهم، محمد وهبی، نازنین و همکاران (۲۰۱۴ م)

نقشه ۲: جغرافیای عمومی برای کلاس دهم، صبری فارس الهیتی و همکاران (۲۰۱۴ م)

تجزیه و تحلیل

مطالعه کتابهای درسی تاریخ اقلیم کردستان این گونه استنباط می‌شود که در این کتابها از تشکیل کشور کردستان بزرگ در آینده که بخشی از خاک ترکیه، ایران، عراق، سوریه و ارمنستان است و این امر روی کتاب تاریخ معاصر برای کلاس دوازدهم آمده است. این تنها نقشه کردستان بزرگ است که در کتابهای تاریخ کلاس هفتم تا دوازدهم که مورد بررسی قرار دادیم دیده می‌شود.

عکس‌های شخصیت‌های کُرد در دوران معاصر مانند: قاضی محمد، سمکوی شکاک، ملامصطفی بارزانی، که آنها را به‌عنوان قهرمان ملی کُردها معرفی کرده است.

به انقلاب اسلامی ایران نیز نپرداخته است، در مورد حزب دموکرات ایران بعد از انقلاب، و حتی در مورد قاسملو و شرفکندی نپرداخته است. در مورد پ‌ک‌ک و عبدالله اوجالان و حتی کُردهای سوریه اصلاً بحث نکرده است. به جنگ ایران و عراق که طولانی‌ترین جنگ قرن بود، در یک صفحه پرداخته است و در آن رژیم بعث را نژادپرست و خون‌خوار و وحشی خواند و مقصر اصلی جنگ معرفی کرده است.

کثرت تکرار اصلاحات تعریف شده در کتب درسی مثل شرق کردستان، شمال کردستان، غرب و جنوب کردستان، باعث جافتادن این مطلب در اقصاء مختلف اقلیم کردستان عراق شده و در بعضی جاها از جمله تاریخ باستان، ایران

معادل فارس است، و در بعضی جاها ملت گُرد از جمله تاریخ معاصر ملت گُرد را جدای از ایران فرهنگی تعریف کرده است. در اینجا سعی کرده است که کردستان را موجودیتی سیاسی مستقل معرفی کند، در جاهای مختلف شبیه این موارد وجود دارد با تفسیر خاص در مورد جمهوری مهاباد در کتاب‌های درسی اقلیم کردستان عراق، از جمهوری مهاباد بنام جمهوری کردستان یاد می‌کند، و هدف از تشکیل آن ایجاد حکومت ملی گُردها تحت‌عنوان کردستان بزرگ یاد می‌کند. در مجموع کتاب‌های درسی اقلیم کردستان، هرگاه نامی از ایران برده شده از پسوندهای و پیشوندهای ضدارزشی اصلاً استفاده نشده و اگر به نیکی یاد نکرده، بدی هم گفته نشده است.

در کل می‌توان گفت تا آنجایی که در مورد تاریخ ایران بحث می‌شود، بیشتر مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی رویکردی واقع‌گرایانه در کتب اقلیم پیش گرفته می‌شود، اما در جایی که رویدادهای سیاسی و تاریخی کردستان بویژه در ایران مورد بحث قرار می‌گیرد، رویدادها تا حد زیادی مبتنی بر نوعی آرمان‌گرایی گُرد جهت‌گیری می‌کند. در برخی موارد هم نظر به اینکه کتب جغرافیایی اقلیم در درون کشور عربی عراق تدوین شده است، در بیان نام خلیج فارس نام جعلی خلیج عربی به کار گرفته می‌شود. در پایان کار، چند موضوع به صورت پارامترهای جداگانه از تاریخ و جغرافیای کردستان عراق انتخاب شده و با تاریخ و هویت ایرانی مقایسه می‌کنیم که همسویی یا ناهمسویی آنها در هر دوره زمانی مشخص می‌شود.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل موضوعات کتب درسی، منبع نگارندگان (۱۳۹۶)

ناهمسو	ختی	همسو	موضوعاتی که در کتاب‌های تاریخ و جغرافیای اقلیم کردستان منعکس شده و نسبت آن و مقایسه آنها با هویت ایرانی
		ب	قاجاریه، آقا محمدخان قاجار، فتحعلی‌شاه قاجار
			شورش شیخ عبدالله نه‌ری، شورش اسماعیل سمکو و قاضی محمد
			جمهوری مهاباد را جمهوری کردستان نامیده است و بسیار از آن تعریف و تمجید نموده است
			اعتراف نمودن به اینکه جمهوری آذربایجان و جمهوری کردستان (مهاباد) با حمایت شوروی تأسیس شدند.
			انتقال و تبعید، و آزار و اذیت گُردها به بهانه ایرانی بودن
			جنگ ایران و عراق و ستمگری و نژادپرستی رژیم بعثی و متجاوزگری آن رژیم
			اعتراف به هویت ایرانی افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز
			اشاره به مبارزات ایرانیان در مشروطه و نقش علما در این رویداد
			نام قدیم جمهوری آذربایجان (آران)، دریای قزوین (خزر) نام برده است و بر عکس رژیم‌های عربی نام خوزستان و اهواز را صحیح آورده است
			نام‌نهادن جعلی خلیج عربی (کنداو العربی) بر خلیج فارس
			سیدجمال‌الدین اسدآبادی را سید جمال‌الدین افغانی نام برده
			لرستان و مناطق لر نشین جز کردستان بزرگ به حساب آورده‌اند
			در مورد انقلاب اسلامی ایران و بزرگی آن اصلاً بحث نشده است
			قسمتهایی از خاک ترکیه، عراق، سوریه، ایران و ارمنستان جمهوری نخجوان جز کردستان بزرگ مدنظرشان است

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری اقلیم کردستان در همسایگی ایران یک واقعیت انکارناپذیر است. این واقعیت از دیدگاه تاریخی و ژئوپلیتیک اهمیت فراوانی برای ایران دارد. از دیدگاه تاریخی، کردستان به‌ویژه اقلیم پیوندهای دیرینی با ایران داشته‌اند و این را در روایت بسیار مثبت تاریخ ایران باستان در کتب تاریخی این منطقه به‌خوبی می‌توان دریافت. اما همچنانکه گذشت نوع نگاه به تاریخ ایران به‌ویژه رویدادهای گُردی به همان روال تاریخ باستان نیست و دارای رویه‌های گاهی متناقض است. به‌زبان دیگر، در جایی روایتی منطبق بر واقعیت‌های تاریخی دارد و در راستای منافع ملی ایران به بیان واقعیت‌هایی مانند جنگ‌های ایران و روس، انقلاب مشروطه و دفاع مقدس می‌پردازد، اما در بازتاب رویدادهای تاریخی و سیاسی جریان‌های گُردی مانند شیخ عبیدالله نهری، اسماعیل آقا سیمکو و قاضی محمد روایتی کلاً متضاد با خوانش تاریخ رسمی ایران برمی‌گزیند. بدیهی است این نوع رویکردها چه مثبت یا منفی در شکل‌دادن به اذهان نسل آینده اقلیم می‌تواند تاثیر به‌سزایی داشته باشد. این در شرایطی است که از دیدگاه ژئوپلیتیک این منطقه می‌تواند پیامدهای گوناگونی در لایه‌های محلی و منطقه‌ای ایران داشته باشد.

پیام این نوع رویکرد به تاریخ ایران در اقلیم این است که دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان سیاست خارجی و در کل نظام سیاسی ما باید در رابطه با این منطقه توجه داشته باشند که اشتراکات تاریخی به‌ویژه دوره باستان و به‌تبع آن فرهنگ و میراث مشترک از فرصت‌های مناسب تحکیم روابط میان ایران و اقلیم است و در کنار آن رویدادهای تاریخی معاصر در راستای پیگیری آرمان گُرد می‌تواند به تنش در روابط میان آنها بیانجامد. بدیهی است ابزارهای اقتصادی، ژئوپلیتیکی و... عواملی هستند که در کنار اشتراکات تاریخی می‌توانند در ترسیم چشم‌اندازی مثبت برای روابط میان ایران و اقلیم کارساز باشند. البته باید به تهدیدهای پیش‌روهم توجه داشته و برنامه‌ریزی‌های لازم در این خصوص هم صورت گیرد.

کتابشناسی

۱. اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم. ترجمه منصور انصاری. تهران: مؤسسه مطالعات ملی؛
۲. حسین‌عثمان، سعدی و همکاران، مطالعات اجتماعی (بخش تاریخ) برای کلاس نهم (۲۰۱۴)، حکومت اقلیم کردستان، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
۳. شوان‌عثمان و همکاران، مطالعات اجتماعی (بخش تاریخ) برای کلاس هفتم (۲۰۱۴) حکومت اقلیم کردستان عراق، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش به کوشش مدیرکل برنامه‌ریزی و انتشارات به زبان گُردی سورانی؛
۴. صبری فارس الهیتی و همکاران، جغرافیای عمومی برای کلاس دهم (۲۰۱۴ م)، حکومت اقلیم کردستان عراق، وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
۵. عبدالعزیز حمد حکمت و همکاران، مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس نهم (۲۰۱۴)، حکومت اقلیم کردستان، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
۶. عبدالله اسماعیل سلیمان و همکاران، مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس هشتم (۲۰۱۴ م) حکومت اقلیم کردستان عراق زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
۷. عبدی، عطاالله؛ لطفی، مریم؛ جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش، مورد مطالعه (کتب تاریخ دوره دبیرستان فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳ (۱۳۸۷)، انتشارات مطالعات ملی؛

۸. عثمان‌روستایی، صادق؛ احمد و همکاران، تاریخ معاصر برای کلاس یازدهم، (۲۰۱۴ م) حکومت اقلیم کردستان زیر نظر وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
۹. علی‌احمد، احمد و همکاران، مطالعات اجتماعی (بخش جغرافیا) برای کلاس هفتم (۲۰۱۰) حکومت اقلیم کردستان عراق، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش به کوشش مدیرکل برنامه‌ریزی و انتشارات به زبان کردی سورانی؛
۱۰. محمد وهبی، نازنین و همکاران، تاریخ معاصر و هم‌عصر برای کلاس دوازدهم، (۲۰۱۴ م) حکومت اقلیم کردستان عراق، وزارت آموزش و پرورش (وزارت برنامه‌ریزی و انتشارات)؛
۱۱. مقصودی مجتبی، وابسته‌های نظام آموزشی ایران در حوزه سیاستگذاری هویتی و همبستگی ملی در کتاب هویت و همبستگی ملی در نظام آموزشی ایران به اهتمام مجتبی مقصودی (۱۳۹۱)، تهران، انتشارات تمدن ایرانی؛
۱۲. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۱)، تحولات قومی در ایران. تهران. مطالعات ملی؛
۱۳. هاجینسون، جان و آنتونی اسمیت (۱۳۸۶)، ملی‌گرایی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛

14. Black sell, Mark (2006), *Political Geography*, London, Rutledge.